



امام حسین علیه السلام در منابع اهل سنت

محمد امین پورامینی

شخصیت والا و الهی حسین بن علی علیه السلام در مهم ترین منابع حدیثی اهل سنت، جایگاه ویژه‌ای دارد و به خصوص روایات مندرج در صحیحین و سایر صحاح و سنن، به ابعاد مختلف شخصیت حضرت اشاره دارد. در این نوشتار منتخبی از روایات مندرج در مهم ترین منابع اهل سنت تقدیم می‌شود.

صحیح بخاری

«صحیح بخاری» از معتبرترین کتب حدیثی اهل سنت است که ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره بن بردزبه بخاری (۱۹۴ - ۲۵۶هـ) آن را گرد آورده است. در صحیح بخاری کتاب «فضائل الصحابه»، باب «مناقب الحسن و الحسين علیهما السلام»، هشت روایت درباره امام حسن و امام حسین علیهما السلام آمده است که سه روایت آن درباره امام حسین علیه السلام است. از جمله روایتی که به سند خود از محمد بن بشار، از غندر، از شعبه، از محمد بن ابی یعقوب، از ابن ابی نعم، از عبدالله بن عمر نقل می کند. پرسنده، مسئله ای درباره احرام داشته است. شعبه می گوید: اگر مُحرمی در وقت حج، مگسی را بکشد، چه حکمی دارد؟

«فقال: اهل العراق یسئلون عن الذباب... و قد قتلوا ابن بنت رسول الله...» مردم عراق از حکم کشتن مگس می پرسند و حال آن که فرزند رسول الله صلی الله علیه و آله را این ها کشتند. «...» و قال النبی صلی الله علیه و آله: هما ریحانتای من الدنیا؛^۱ در حالی که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: حسن و حسین علیهما السلام دو گل من در دنیایند.

بخاری، در همان جا روایتی را از ابوبکر نقل می کند که گرچه اسم امام حسن و امام حسین علیهما السلام در آن نیست، او این روایت را در همین باب آورده است؛ زیرا شامل آنان می شود:

«قال ابوبکر: ارقبوا محمدا فی اهل بیته»؛^۲ شأن رسول خدا صلی الله علیه و آله را در اهل بیت او مراعات کنید. این روایت را بخاری در این باب آورده است که از آن، لزوم احترام و رعایت حال اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله و آزار نرساندن به ایشان استفاده می شود.^۳

در حدیث دیگر این باب، باز هم بخاری به سندش از انس بن مالک جریان حضور او در کوفه و در مجلس عبیدالله را نقل می کند.^۴ انس می گوید:

«أتی عبیدالله بن زیاد برأس الحسین بن علی فجعل فی طشت فجعل ینکت و قال فی حسنه شیئاً فقال انس: کان أشبههم برسول الله صلی الله علیه و آله فكان مخضوباً بالوسمة»؛^۵ وقتی سر مطهر حضرت امام حسین علیه السلام را به نزد عبیدالله بن زیاد آوردند، آن را در میان طشتی قرار دادند و ابن زیاد با چوب خود به سر مقدس می زد و سخنی در زیبایی آن می گفت. حضرت موی سر و محاسن خود را به رنگ سیاه خضاب کرده بود. این جا سخن از جسارت به سر کسی است که شبیه ترین مردم به رسول خداست؛ کسی که تنها باقی مانده از اصحاب کساء است.

این ها بنا بر نقل بخاری است و حدیثی که بخاری و مسلم بگویند، طبق مبنای ایشان، دیگر نیازمند بحث سندی درباره آن نباید بود. این دو سه روایت، چند نکته درباره امام دارد: امامی



را کشته‌اند که شبیه‌ترین مردم به پیغمبر است. کسی را کشته‌اند که به سفارش حاکم برمسند نشسته در جایگاه خلیفه اول، باید رعایت حال او به عنوان اهل بیت پیغمبر علیه السلام می‌شد. او کسی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله از او با لقب ریحانه و گلِ دنیایش یاد کرده است. ذکر این روایات زمینه‌ای برای آشکار شدن حقایق مهم برای هموارسازی زمینه‌های تبلیغی شیعه است.

صحیح مسلم

این کتاب از ابو الحسین مسلم بن حجاج نیشابوری (۲۰۶ - ۲۶۱ هـ) است و از معتبرترین کتب حدیثی نزد اهل سنت، بعد از صحیح بخاری به شمار می‌آید. در صحیح مسلم بابی به نام «فضائل الحسن و الحسین علیهما السلام» با چهار روایت آمده است که بیشتر درباره امام حسن علیه السلام است. پس از آن، باب دیگری درباره اهل بیت علیهم السلام است، با عنوان «باب فضائل اهل بیت النبی صلی الله علیه و آله». در آن جا مسلم سند جریان معروف به «حدیث کساء» را این گونه نقل می‌کند:

«حدثنا ابوبکر بن ابی شیبہ و محمد بن عبدالله بن نمیر، عن محمد بن بشر، عن زکریا، عن مصعب بن شبیبة، عن صفیة بنت شبیبة قالت عائشة: خرج النبی صلی الله علیه و آله غداة و علیه مرط مرحل من شعر أسود. فجاء الحسن بن علی فادخله ثم جاء الحسین فدخل معه ثم جاءت فاطمة و فادخلها ثم جاء علی فادخله ... ثم قال: ﴿انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا﴾. آن کساء منقوش بوده و از موی سیاه بافته شده بود. خود رسول اکرم زیر این کساء بودند تا این که همه پنج آن بزرگوار زیر آن جمع شدند.^۶

مضمون حدیث کساء زیاد نقل شده و مرحوم بحرانی نیز سندی برای حدیث کساء معروف در «عوالم» آورده است؛ ولی مضمون آن و اصل ماجرا در روایات مختلف هست و بسیار نقل شده است. در اصل این قضیه، جای شک و شبهه نیست و شیعه و سنی آن را نقل کرده‌اند و در این جا هم مسلم در صحیح خود آورده است. با تکیه بر همین حدیث و نیز همین آیه، باید مطلب را شرح و تبیین کرد و روشن ساخت که این ویژگی، منحصر به پنج تن آل کساء است و حتی شامل زنان پیامبر، نه عایشه و نه ام سلمه نمی‌شود؛ چون در روایت دیگری آمده است که حضرت به ام سلمه که می‌خواست خود نیز در زیر آن کساء قرار گیرد فرمودند: تو خوبی، ولی با این حال اجازه ندادند که وی نیز در زیر آن عبا جای گیرد. در واقع، رسول خدا صلی الله علیه و آله برای او روشن ساختند که در این جا ویژگی‌ای منظور است که شامل حال مثل او هم نمی‌شود.

سنن ابن ماجه

محمد بن یزید ماجه قزوینی ربعی (متوفای ۲۷۳ یا ۲۷۵هـ)، گردآورنده یکی از کتاب‌های شش گانه اهل سنت است. در کتابش آورده است:

۱. ابوهریره از رسول خدا ﷺ نقل کرده است: «من أحبَّ الحسن والحسين فقد أحبَّني و من أبغضهما فقد أبغضني»؛ هر کس حسن و حسین را دوست بدارد، مرا دوست داشته و هر کس با آنان دشمنی ورزد، با من دشمنی ورزیده است. این روایت از دیدگاه اهل سنت صحیح دانسته شده و از دیدگاه رجالی آنان، همه ناقلان آن از افراد ثقه‌اند. بنابراین کسانی که آن فاجعه عظیم را به وجود آورده‌اند، در رأس دشمنان پیامبرند و کسانی که به کار آن‌ها راضی بوده و هستند، تا قیامت مبعوض رسول خدایند.

۲. علی بن مرّه از پیامبر اکرم ﷺ نقل کرده است: هنگامی که نوه خود، امام حسین علیه السلام را بوسیدند، فرمودند: «حسین منی و أنا من حسین، أحب من أحب حسیناً، حسین سبط من الأسياب»؛^۸ حسین از من است و من از حسینم. هر کس حسین را دوست بدارد، او را دوست دارم. حسین فرزندی است از فرزندان من (و آنان امتی خواهند شد).

۳. زید بن ارقم نقل می‌کند: رسول خدا ﷺ به علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام فرمود: «أنا سلم لمن سالمتم و حرب لمن حاربتهم»؛^۹ در صلح با هر که با شما در سازش است و در جنگ با هر که با شما می‌جنگد.

درباره راوی حدیث باید گفت: او کسی است که بعد از جریان کربلا، در مجلس ابن زیاد به اعتراض پرداخت. این حدیث را ابن حبان در صحیح خود به سندش از زید بن ارقم نقل می‌کند.^{۱۰}

علی بن مرّه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است: هنگامی که نوه خود، امام حسین علیه السلام را بوسیدند، فرمودند: «حسین منی و أنا من حسین، أحب من أحب حسیناً، حسین سبط من الأسياب»؛ حسین از من است و من از حسینم. هر کس حسین را دوست بدارد، او را دوست دارم. حسین فرزندی است از فرزندان من.

با توجه به عبارات حدیث، عصمت اهل بیت اثبات می‌شود؛ چرا که اگر معصوم نبودند، رسول خدا ﷺ این عبارت‌ها را در شأن آن بزرگواران نمی‌فرمودند. بنابراین جایگاه ایشان، جایگاه پیامبر ﷺ است و اگر کسی در مقابل آن‌ها ایستاد، مقابل رسول خدا ﷺ ایستاده است. نباید چشم را بست؛ بلکه لازم است قضایا را به درستی تحلیل کرد و به آسیب‌شناسی فردی و اجتماعی پرداخت تا روشن شود که شخص مخالف چه مشکلی داشته است؟

سنن ترمذی

محمد بن عیسی بن سواره ترمذی (متوفای ۲۷۹هـ)، در کتاب سنن، احادیثی دربارهٔ سیدالشهداء (علیه السلام) آورده است:

۱. حدیثی از ابی سعید خدری را تصحیح کرده و می‌گوید: «حدیث صحیح حسن»؛ یعنی این حدیث، حدیث صحیح و حسن است. متن روایت این است که رسول خدا ﷺ فرمود: «الحسن والحسین سیدا شباب أهل الجنة»؛ حسن و حسین بزرگ جوانان اهل بهشتند.^{۱۱}
۲. أسامة بن زید از رسول خدا نقل کرده است که فرمود: «هذان إبنای و ابنا ابنتی، اللّهم إنی أحبهما فأحبهما و أحب من یحبهما»؛^{۱۲} این دو (حسن و حسین) فرزندان من و پسران دختر منند. خداوند! این دو را دوست می‌دارم؛ پس دوستشان بدار و هر کسی که این دو را دوست دارد، دوست بدار.
۳. از انس بن مالک نقل کرده است: «سئل رسول الله ﷺ ای اهل بیتک أحبّ إلیک؟ قال: الحسن و الحسین، و کان یقول لفاطمة: أدع لی ابنا، فیشمهما و یضمهما إلیه»؛^{۱۳} از رسول خدا ﷺ پرسیدند: کدام یک از اهل بیت خود را بیشتر دوست می‌دارید؟ فرمودند: حسن و حسین (علیه السلام) را، و به حضرت فاطمه (علیها السلام) می‌فرمودند: دو فرزندم را فرا خوان؛ آن‌گاه آن دو را بغل می‌کردند و می‌بوییدند.

مستدرک حاکم نیشابوری

«حاکم» لقب حدیث‌شناسان مرجع است. حاکم شخصیتی است که متن و سند احادیث فراوانی را حفظ بوده و حدیث‌شناس و رجال‌شناس بسیار زبردستی است؛ به گونه‌ای که کلامش فصل الخطاب است. حاکم نیشابوری کتابی به نام «المستدرک علی الصحیحین» دارد که بر اساس شروط بخاری و مسلم در گردآوری حدیث تدوین شده است. در واقع مسلم و بخاری هم باید

این احادیث را ذکر می کردند، ولی نیاورده اند. او در این کتاب کاستی های آن دو کتاب را بر منبای روش بخاری و مسلم بر طرف کرده است. حاکم نیشابوری صحت احادیث را بررسی می کند که بنا بر شرط بخاری صحیح است یا بنا بر شرط مسلم یا شرط شیخین. سپس نظر خود را ذکر کرده و حدیث را تصحیح می کند. ذهبی نیز حاشیه ای بر این مستدرک نوشته است که در نظر اهل فن بسیار مهم است. بعضی احادیث مستدرک حاکم را ذهبی و حاکم، هر دو تصحیح کرده اند و بعضی را تنها یک نفرشان. البته ذهبی هم جایگاه بسیار برجسته ای در نزد اهل سنت دارد. اینک به ذکر احادیثی می پردازیم که محور آن، موضوع بحث است:

۱. از ابی سعید خدری نقل می کند: رسول خدا ﷺ وارد خانه دخترشان، فاطمه علیها السلام شدند و به علی علیه السلام که در آن لحظه در خانه استراحت می کردند، اشاره کرده و فرمودند:

«إِنِّي وَ إِيَّاكَ وَ هَذَا النَّائِمَ عَلَيَّا وَ هُمَا يَعْنِي الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ علیهما السلام لَفِي مَكَانٍ وَاحِدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛^{۱۴} من و تو و این شخص خفته (یعنی علی) و حسن و حسین، روز قیامت در یک جایگاه خواهیم بود.

حاکم نیشابوری این حدیث را نقل می کند و می نویسد: «هذا حدیث صحیح الإسناد و لم یخرجاه»؛ این حدیثی است که از حیث سند صحیح است؛ ولی مسلم و بخاری آن را ذکر نکرده اند. ذهبی که امام النقادین و بسیار متعصب است، درباره این روایت می گوید که صحیح است. پس این حدیث، به شهادت دو حدیث شناس خبره اهل سنت، محکوم به صحت است.

از انس بن مالک نقل کرده است: «سئل رسول الله ای اهل بیتک أحب الیک؟ قال: الحسن و الحسین، و کان یقول لفاطمه: ادع لی ابنا، فیشمهما و یضمهما الیه»؛ از رسول خدا ﷺ پرسیدند: کدام یک از اهل بیت خود را بیشتر دوست می دارید؟ فرمودند: حسن و حسین علیهما السلام را و به حضرت فاطمه علیها السلام می فرمودند: دو فرزندم را فرا خوان؛ آن گاه آن دو را بغل می کردند و می بوییدند.

۲. نقل می کند که میناء بن اَبی مینا، مولی عبدالرحمن بن عوف، گفت:

«خذوا عَنِّي قَبْلَ أَنْ تَشَابَ الْأَحَادِيثُ بِالْأَبَاطِيلِ»؛ تا احادیث با مطالب باطل مخلوط نشده است، این مطلب را از من فراگیرید. (گویا مطلبی است که در سینه خود حفظ کرده و می خواهد به دیگران برساند): «سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: أَنَا الشَّجَرَةُ وَ فَاطِمَةُ فِرْعَاطِهَا، وَ عَلِيٌّ لِقَاحُهَا، وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ثَمَرَتُهَا، وَ شِيعَتُنَا وَرِقَاقُهَا، وَ أَصْلُ الشَّجَرَةِ فِي جَنَّةِ عَدْنٍ وَ سَائِرُ الْجَنَّةِ»^{۱۵}؛ من درختی ام که فاطمه علیها السلام شاخه آن درخت است و علی علیه السلام پیوند آن درخت و حسن و حسین علیهم السلام میوه های آن درخت و شیعیان ما برگ های این درختند. این درخت در جنت عدن و در بهشت ریشه دارد.

شاید مقصود این باشد که ریشه درخت از جنت عدن به همه جای بهشت سرایت کرده است. نکته دیگر در این حدیث، استعمال واژه شیعه به معنای خاص کلمه، یعنی پیروان امیر مؤمنان علی علیه السلام است.

۳. از سلمان نقل می کند:

«سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: «الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ابْنَايَ، مِنْ أَحَبِّهِمَا أَحَبَّنِي وَ مِنْ أَحَبَّنِي أَحَبَّهُ اللَّهُ وَ مِنْ أَحَبَّهُ اللَّهُ أَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ...» وَ مِنْ أَبْغَضِهِمَا أَبْغَضَنِي وَ مِنْ أَبْغَضَنِي أَبْغَضَهُ اللَّهُ وَ مِنْ أَبْغَضَهُ اللَّهُ أَدْخَلَهُ النَّارَ»^{۱۶}؛ حسن و حسین دو فرزند من هستند؛ هر کس این دو را دوست بدارد، مرا دوست داشته و کسی که مرا دوست بدارد، خدا را دوست داشته و کسی که خدا او را دوست بدارد، به بهشتش می برد. کسی که این دو را دشمن بدارد، با من دشمنی کرده و کسی که با من دشمنی کند، خدا با او دشمنی می کند و کسی که مبعوض خدا باشد، خدا او داخل آتش می کند.

این حدیث از حیث متن، عالی و از جهت سند، صحیح است و حاکم در این باره می نویسد: «هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ عَلَى شَرْطِ الشَّيْخَيْنِ وَ لَمْ يَخْرُجْ»؛ این حدیثی است صحیح با توجه شرط شیخین؛ ولی هیچ کدام این حدیث را ذکر نکرده اند. مسلم و بخاری، هر یک برای گردآوری حدیث، شروط خاصی دارند و این حدیث با شروط هر دو سازگار است؛ ولی هیچ کدام آن را ذکر نکرده اند. حاکم با ذکر حدیث و تصحیح آن، در پی جبران است. این جاست که بحث حبّ و بغض پیش می آید که ناشی از موضع گیری است. منطق چشم بستن و بی توجهی به کار گذشتگان، با این حدیث شریف جمع نمی شود. ممکن است شخصی علوی مسلک باشد و شخصی اموی مرام؛ آیا این دو یکی هستند؟! شخصی پیرو پیغمبر صلی الله علیه و آله باشد و شخصی مشرک؛ آیا این دو یکسانند؟ اگر کسی خود را پیرو رسول خدا صلی الله علیه و آله می داند، باید توجه داشته

باشد که رسول الله ﷺ اهل بیت ﷺ را از خود جدا نکردند. در واقع مواضع اهل بیت، مواضع رسول خداست و کسی که می خواهد پیرو خدا باشد، باید پیرو پیغمبر و اهل بیت ﷺ باشد.

۴. حذیفة بن یمان از رسول خدا ﷺ نقل می کند:

«أتانی جبرئیل فقال: إن الحسن و الحسين ﷺ سیدا شباب أهل الجنة»؛^{۱۷} جبرئیل نزد آمد

و گفت: حسن و حسین دو بزرگ جوانان اهل بهشتند.

ذهبی این حدیث را تصدیق می کند و می گوید صحیح است. ترمذی پس از نقل این حدیث به صحت آن اقرار می کند و می نویسد: «هذا حدیث حسن صحیح».^{۱۸} یکی از علمای معاصر اهل سنت به نام البانی مجموعه احادیثی دارد که در آن، احادیث را تصحیح یا تضعیف می کند. او نیز این حدیث را صحیح می داند.

حذیفة بن یمان،^{۱۹} از سرشناس ترین صحابه و صاحب سر بوده است. او نام های منافقان را می دانست و آنان را خوب می شناخت؛ مثلاً منافقانی که خواستند پیامبر را ترور کنند و در اجرای نقشه شکست خوردند. برخی از صحابه که از خود شک داشتند از او می پرسیدند که آیا نام من هم در فهرست منافقان هست یا نه؟

۵. از وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب ﷺ، نقل شده است:

«أخبرنی رسول الله: أن أول من یدخل الجنة أنا و أنت و فاطمة و الحسن و الحسين. قلت:

یا رسول الله، فمحبونا؟ قال: من ورائکم»؛^{۲۰} رسول خدا ﷺ به من فرمود: من و تو و فاطمه و حسن و حسین، نخستین افرادی هستیم که وارد بهشت می شویم؛ گفتیم: یا رسول الله! دوستان ما چه؟ فرمود: پشت سر شما وارد می شوند.

حاکم، حدیث را تصحیح می کند و ذهبی مخالفت می کند؛ ولی حاکم، مقدم بر ذهبی است و می نویسد که صحیح است.

۶. حاکم نیشابوری آیه شریفه تطهیر را درباره اهل بیت ﷺ می داند و پس از نقل حدیث ام سلمه می نویسد: «هذا حدیث صحیح علی شرط البخاری و لم یخراجه»، این حدیث بر شرط بخاری صحیح

است و هیچ یک از آن دو (بخاری و مسلم) آن را نیاوردند، به نقل حاکم، ام سلمه می گوید:

«فأرسل رسول الله ﷺ إلى علی و فاطمة و الحسن و الحسين، فقال: هؤلاء أهل بیتی»؛ رسول

خدا ﷺ با اشاره به علی و فاطمه و حسن و حسین ﷺ فرمود: اینان اهل بیت منند.

ایشان با این کلام، برای اهل بیت مصداق معین فرمودند؛ به گونه ای که اهل بیت به معنای

خاص کلمه، منحصر در ایشان است.

المعجم الكبير طبرانی

ابوالقاسم طبرانی (متوفای ۳۶۰هـ) است و صد سال قبل از شیخ طوسی می زیست. آنچه در این قسمت به آن می پردازیم، کتاب معجم طبرانی است. طبرانی چندین کتاب دارد: المعجم الكبير، المعجم الأوسط و المعجم الصغير. احادیث محل بحث را از المعجم الكبير ذکر می کنیم:

۱. از سلمان فارسی نقل می کند که رسول خدا ﷺ فرمود: «سميتهما، ای الحسن و الحسين باسم ابني هارون شبر و شبير»؛^{۲۱} من حسن و حسين را به دو نام دو فرزند هارون، شبر و شبير نام نهادم.

در روایات است که شبر و شبير به زبان عبری است و حسن و حسين، ترجمه عربی آن دو واژه است.

۲. از يزيد بن ابی زياد نقل می کند که رسول خدا ﷺ از خانه عايشه خارج شدند. منظور از خانه عايشه، اتاقی است که در اختيار او بوده، ولی در واقع ملک پیامبر بود؛ چراکه خانه، خانه پیغمبر بود و هر اتاق در اختيار همسری بود که به اعتبار سکونت در آنها، به نام آنها معروف شده بود. روایت این است:

«فمرّ عليّ بيت فاطمة فسمع حسين يبكي. فقال: ألم تعلمي أنّ بكائه يؤذيني؟!»^{۲۲} رسول خدا ﷺ از کنار خانه حضرت زهرا ﷺ گذشتند. در این هنگام شنیدند صدای گریه حضرت ابی عبدالله ﷺ را که خردسال بود. پیغمبر ﷺ خطاب به حضرت زهرا ﷺ فرمودند: مگر نمی دانید که گریه او را مرا ناراحت می کند؟!

وقتی رسول خدا ﷺ از شنیدن صدای گریه حضرت ابی عبدالله ﷺ بی تاب می شوند، فاجعه کربلا چه تأثیر عمیقی در وجود ایشان می گذارد؟!

۳. رسول خدا ﷺ فرمودند:

«الحسن و الحسين إبنای، من أحبهما أحبني و من أحبني أحبّه الله»؛ حسن و حسين ﷺ پسران من هستند. کسی که این دو را دوست بدارد، مرا دوست داشته و کسی که مرا دوست بدارد، خدا او را دوست می دارد.

بنابراین، نتیجه دوستی این دو بزرگوار، محبوب خدا شدن و بهشتی شدن است. از آن طرف، کسی که با این بزرگواران دشمنی بورزد، با خدا و رسول دشمن است و نتیجه آن، مبعوض خدا شدن است.

۴. حدیث مشهوری است که رسول خدا ﷺ فرمودند: «الحسن و الحسين سیدا شباب أهل الجنة». ۳۳ حسن و حسین علیهما السلام دو سرور جوانان اهل بهشتند. این روایت معروف، از طُرُق مختلفی نقل شده است. این حدیث شریف از وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیهما السلام نقل شده، و شریح قاضی نیز آن را از عمر نقل می‌کند. ۳۴ این حدیث را پیش از این، از حدیث بن یمان نقل کردیم.

۶. از محمد بن عبدالله بن ابی رافع از پدرش و او از جدش نقل می‌کند: «إن رسول الله ﷺ قال لعلی: إن أول أربعة يدخلون الجنة أنا و أنت و الحسن و الحسين و ذرارینا خلف ظهورنا و أزواجنا خلف ذرارینا و شیعتنا عن أیماننا و عن شمائلنا»؛ ۲۵ رسول خدا ﷺ به علی علیهما السلام فرمودند: چهار نفر اولی که وارد بهشت می‌شوند، من و تو و حسن و حسین هستیم و بعد، به ترتیب فرزندان و همسران و شیعیان ما از راست و چپ وارد بهشت می‌شوند.

۷. طبرانی احادیثی نقل کرده که جایگاه قاتل امام حسین علیهما السلام را روشن می‌کند؛ از جمله از عایشه نقل می‌کند: رسول خدا ﷺ فرمودند:

«سنة لعنتهم و كل نبی مجاب: الزائد فی کتاب الله عزوجل، و المكذب بقدر الله، و المستحل محارم الله، و المستحل من عترتی ما حرم الله، و التارك للسنة»؛ ۲۶ شش گروه را من و هر پیامبر مستجاب الدعوه ای لعنت کرده است: کسی که در کتاب خدا می‌افزاید (دست می‌برد) و کسی که به قدر ایمان ندارد و کسی که محرّمات خدا را حلال می‌کند و کسی که دستش را به خون عترت من آغشته می‌کند و کسی که سنت مرا ترک می‌کند (البته در نقل این روایت، گروه ششم جا افتاده است).

۸. از انس بن مالک نقل می‌کند که حضور پیغمبر ﷺ بودم؛ فرمودند: «و قد أعطیت الكوثر، قلت: یا رسول الله و ما الكوثر؟ قال: ... لا یشربه انسان قتل أهل بیتی»؛ ۲۷ به من کوثر داده شده است. پرسیدم: ای رسول خدا! کوثر چیست؟ فرمودند: نه‌ری است که ... از آن نمی‌آشامد کسی که اهل بیت مرا بکشد.

۹. درباره زمان شهادت سیدالشهدا علیهما السلام، امام باقر علیهما السلام از ام سلمه نقل می‌کند: «قال رسول الله ﷺ: یقتل حسین بن علی علی رأس ستین من مهاجرتی»؛ ۲۸ رسول خدا ﷺ فرمودند: حسین بن علی علیهما السلام شصت سال بعد از هجرت من به شهادت می‌رسد. درباره تعیین زمان شهادت حضرت، روایاتی از رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین علیهما السلام نقل شده است.

۱۰. از مطلب بن عبدالله بن حنطب نقل می‌کند:

«لَمَّا احِيطَ بِالْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ: مَا إِسْمُ هَذِهِ الْأَرْضِ؟ قِيلَ: كَرْبَلَا. فَقَالَ: صَدَقَ النَّبِيُّ، إِنَّهَا أَرْضُ كَرْبٍ وَبَلَاءٍ»^{۲۹} وقتی امام حسین علیه السلام در کربلا محاصره شدند، پرسیدند: این سرزمین چه نام دارد؟ جواب دادند: کربلا. فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله راست گفت که این زمین، زمین غم و بلاست.

۱۱. از عایشه نقل می‌کند: حسین بن علی علیه السلام که کودکی خردسال بودند بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شدند و آن حضرت در حال دریافت وحی بودند. حسین علیه السلام بر پشت خمیده حضرت نشستند و بازی می‌کردند. جبرئیل پرسید: آیا او را دوست دارید؟ پیامبر خدا فرمودند: «با جبرئیل و ما لی لا أحب ابنی»؛ چرا فرزندم را دوست نداشته باشم؟! جبرئیل گفت: امت تو پس از تو او را خواهند کشت. سپس تربتی سفید را به رسول خدا صلی الله علیه و آله داد و گفت: فرزند تو در این خاک به شهادت می‌رسد و اسم آن سرزمین طف است (طف یکی از نام‌های کربلاست). جبرئیل رفت و رسول خدا صلی الله علیه و آله گریان نزد اصحاب آمدند. در میان ایشان علی بن ابی طالب علیه السلام و ابوبکر و عمر و حذیفه و عمار و ابوذر بودند. گفتند: ای رسول خدا! چه چیز شما را به گریه انداخته است؟ فرمودند: «أخبرنی جبرئیل أن ابنی الحسین یقتل بعدی بأرض الطف و جائی بهذه التربة و أخبرنی أن فیها مضجعه»؛ جبرئیل به من خبر داد که بعد از من، پسر من حسین در زمین طف کشته می‌شود. این تربت را آورد و خبر داد که در این خاک مدفون می‌شود.^{۳۰}

۱۲. طبرانی روایت دیگری را با سندش از ام سلمه نقل می‌کند که به مضمون روایت قبل نزدیک است. خلاصه‌اش این است که حسن و حسین علیه السلام در خانه پیامبر بازی می‌کردند. جبرئیل نازل شد و خبر داد که این فرزند تو کشته می‌شود؛ رسول خدا گریستند و حسین علیه السلام را به سینه چسبانند و به ام سلمه فرمودند: «ودیعة عندک هذه التربة»؛ این تربت نزد تو امانت باشد. رسول خدا تربت را بوییدند و فرمودند: «ویح کرب و بلاء»؛ آه، سرزمین اندوه و امتحان است؛ «یا ام سلمه اذا تحولت هذه التربة دماً فاعلمی أن ابنی قد قتل»؛ ای ام سلمه! هنگامی که این خاک خون گردید، بدان پسر من حسین کشته شده است. ام سلمه تربت را در ظرفی گذارد و هر روز به آن نگاه می‌کرد.^{۳۱} عصر روز عاشورا، اولین ضجه از خانه ام سلمه بلند شد. مردم جمع شدند و از او پرسیدند: چه خبر است؟ گفت: حسین بن علی علیه السلام را کشتند و علامتش این است آن خاکی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به من دادند، اکنون رنگ خون به خود گرفته است.^{۳۲}



بنابر نقل قطب راوندی، سیدالشهدا علیه السلام هنگامی که عازم مکه شدند، نزد ام سلمه مواریثی را امانت گذاردند تا هنگامی که امام سجاد علیه السلام بازگشتند، به ایشان بازگرداند. از جمله کتاب علی علیه السلام و مصحف فاطمه علیها السلام و مقداری از خاک کربلا؛ خاکی که با آنچه جبرئیل آورده بود و در نزد ام سلمه بود، هیچ تفاوتی نداشت. سیدالشهدا علیه السلام به ام سلمه فرمودند: هر دو تربت را نگاه دار و هنگامی که هر دو خونین شد، بدان که مرا کشته اند.^{۳۳}

۱۳. از هانی بن هانی از امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب علیه السلام نقل می کند که حضرت فرمودند: «لِیَقْتُلَنَّ الْحَسینَ قَتْلًا وَ اِنْسِ لِأَعْرِفَ التُّرْبَةَ الَّتِیْ یَقْتُلُ فِیْهَا قَرِیْبَ مِنَ النُّهْرِینَ»^{۳۴} حسین علیه السلام را به کشتنی [دردناک] می کشند و آگاهم از خاکی که او را در آن می کشند؛ آنجا نزدیک دو نهر (دجله و فرات) است.

۱۴. از ابوهرثمه نقل می کند: با علی بن ابی طالب علیه السلام حرکت می کردیم تا به کربلا رسیدیم. نزدیک درختی با خصوصیتی ویژه رسیدیم. حضرت مقداری تربت از کنار درخت برداشته و بوییدند؛ سپس فرمودند: «بِحَشْرٍ مِنْ هَذَا الظَّهْرِ سَبْعُونَ أَلْفًا یَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بَغِیرِ حِسَابٍ»^{۳۵} از این سرزمین، هفتاد هزار نفر محشور خواهند شد که بدون حساب وارد بهشت می شوند.

توضیح این که سرزمین کربلا به برکت خون مقدس ابی عبدالله و یارانش، چنان قداستی یافته که هفتاد هزار نفر از کسانی که در آن سرزمین پاک به خاک سپرده می شوند، بدون حساب وارد بهشت خواهند شد.

۱۵. از شبیان، یکی از طرفداران امویان نقل می کند: با علی بن ابی طالب علیه السلام به کربلا رسیدیم. حضرت فرمودند: در این جا

از عایشه نقل می کند: حسین بن علی علیه السلام که کودکی خردسال بودند بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شدند و آن حضرت در حال دریافت وحی بودند. حسین علیه السلام بر پشت خمیده حضرت نشستند و بازی می کردند. جبرئیل پرسید: آیا او را دوست دارید؟ پیامبر خدا فرمودند: «یا جبرئیل و ما لی لا أحب ابنی»؛ چرا فرزندم را دوست نداشته باشم؟! جبرئیل گفت: امت تو پس از تو او را خواهند کشت. سپس تربتی سفید را به رسول خدا صلی الله علیه و آله داد و گفت: فرزند تو در این خاک به شهادت می رسد و اسم آن سرزمین طف است.



کسانی شهید خواهند شد که فقط شهدای جنگ بدر هم پایه ایشانند. شیبان می گوید با خود گفتم که این هم یکی از دروغ‌های اوست! در آن مکان علامتی گذاردم تا مشخص شود که پیش گویی علی علیه السلام محقق می شود یا خیر. وقتی بعد از واقعه کربلا به آن جا رفتم، جسد مطهر سیدالشهدا علیه السلام را دیدم که درست کنار آن علامت بود و اصحاب شهید شده اش در اطراف او بودند.^{۳۶}

۱۶. برخی از علمای یهود و نصارا از واقع شدن فاجعه کربلا آگاه بودند. طبرانی از علاء بن ابی عایشه، از پدرش از رأس الجالوت، بزرگ اهل یهود نقل می کند: «کنا نسمع أنه يقتل بکربلاء ابن نبی، و کنت اذا دخلتها رکظت فرسی حتی أجز عنها، فلما قتل الحسین جعلت أسیر بعد ذلک علی هیئتی»؛^{۳۷} می شنیدیم که در سرزمین کربلا فرزند پیامبری کشته می شود و هر گاه به کربلا می رسیدم، مرکب را سریع می راندم تا از آن سرزمین بگذرم. بعد از شهادت حسین علیه السلام هر گاه به کربلا می رسیدم، دیگر به صورت عادی (و بدون عجله) عبور می کردم. ۱۷. همچنین از عمار نقل می کند: امیر المؤمنین، علی بن ابی طالب علیه السلام از کنار کعب عبور می کردند. کعب گفت: یکی از فرزندان این مرد همراه گروه اندکی شهید می شود و قبل از خشک شدن عرق اسب‌های شان، بر محمد صلی الله علیه و آله وارد می شوند. در آن هنگام حسن علیه السلام می گذشت؛ به کعب گفتند: آن فرزند، همین است؟ کعب گفت: نه. ناگهان حسین علیه السلام وارد شد. به کعب گفتند: این است؟ کعب گفت: آری.^{۳۸}

در کتاب «اهل البيت في الكتاب المقدس» خبرهایی از شهادت امام حسین علیه السلام با توجه به تورات و انجیل فعلی آمده است که آن‌ها را به صورت کامل در کتاب «الایام الشامیه»^{۳۹} نقل کرده ایم.

مُسند ابی یعلی

احمد بن علی موصلی، معروف به «ابو یعلی» (متوفای ۳۰۷ هجری) پیش از طبرانی می زیسته است. وی در مُسند خود، احادیثی درباره جایگاه سیدالشهدا علیه السلام در روز قیامت ذکر می کند. از جمله آن‌هاست:

۱. از ابی فاخته از علی علیه السلام نقل می کند: رسول خدا صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام فرمودند: «إني و إیاک و هذین الحسن و الحسین یوم القیامة فی مکان واحد»؛^{۴۰} ای فاطمه! روز قیامت، من و تو و حسن و حسین در یک جا هستیم. یعنی جایگاه قیامتی ما هم، مثل جایگاه دنیایی ما، پیش هم است. یعنی منزلت، مقام و جایگاه ما یکی است.

۲. روایت می‌کند: از رسول خدا ﷺ پرسیدند کدام یک از اهل بیت خود را بیشتر دوست می‌دارید؟ فرمودند: حسن و حسین را. سپس آن بزرگوار به فاطمه علیها السلام فرمودند: «أدعونی إبنای، فیشمهما و یضمهما إلیه»؛^{۴۱} دو فرزند مرا صدا کن. [هنگامی که می‌آمدند] آن دو را می‌بوییدند و به خود می‌چسبانند. این عمل، شدت علاقه رسول خدا ﷺ به حسن و حسین علیهم السلام را نشان می‌دهد. این نیز حدیث مشهوری است که فریقین، یعنی شیعه و سنی نقل کرده‌اند.

۳. روایت مفصلی است که به بخشی از آن اشاره می‌کنیم. رسول اکرم ﷺ درباره فاطمه زهرا و حسن و حسین و علی بن ابی طالب علیهم السلام این گونه دعا کردند: «اللهم عاد من عاداهم و وال من والاهم»؛^{۴۲} خدایا! با دشمن ایشان دشمنی کن، و با دوست ایشان دوستی. حضرت رسول ﷺ در روز غدیر نیز همین دعا را در حق امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: «اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و انصر من نصره و اخذل من خذله».^{۴۳} خدایا دوست بدار دوستدار علی را و دشمن دار دشمن علی را، و یاری کن یاری کننده او را، و وانه کسی که او را وانهد. در این روایت که ابوعلی نقل کرده است دعا را به صورت جمع ذکر فرمودند.

ح. فضائل الصحابه

احمد بن حنبل در کتاب «فضائل الصحابه» فضایل اهل بیت علیهم السلام را ذکر کرده و فصل مستقلی درباره فضایل امیرالمؤمنین علیه السلام نوشته است. بابی هم به امام حسن و امام حسین علیهم السلام اختصاص داده است. این کتاب یک جلدی چاپ‌های مختلفی دارد. از باب «فضائل الحسن و الحسين علیهم السلام» این کتاب، احادیثی نقل می‌کنیم:

از شیبان، یکی از طرفداران امویان نقل می‌کند: با علی بن ابی طالب علیه السلام به کربلا رسیدیم. حضرت فرمودند: در این جا کسانی شهید خواهند شد که فقط شهدای جنگ بدر هم‌پایه ایشانند. شیبان می‌گوید با خود گفتم که این هم یکی از دروغ‌های اوست! در آن مکان علامتی گذاردم تا مشخص شود که پیش‌گویی علی علیه السلام محقق می‌شود یا خیر. وقتی بعد از واقعه کربلا به آن جا رفتم، جسد مطهر سیدالشهدا علیه السلام را دیدم که درست کنار آن علامت بود و اصحاب شهید شده‌اش در اطراف او بودند.

۱. از ام سلمه، حدیثی شبیه حدیث عایشه دربارهٔ خاکِ مقتل امام حسین علیه السلام در کربلا نقل می‌کند. حدیث عایشه را ضمن احادیث «المعجم الکبیر» آوردیم. ناقل بودن ام سلمه، منافاتی با ناقل بودن عایشه ندارد؛ چراکه آن ماجرا جریان‌ی بوده است که بسیاری از آن آگاه شدند. ام سلمه می‌گوید: «کان جبرئیل عند النبی صلی الله علیه و آله و سلم و الحسین معی. فَبَکِی فترکتہ. فدنی من النبی، فقال جبرئیل: أتجبه یا محمد؟ فقال: نعم. فقال: إن امتک ستقتله و إن شئت أریتک من تریة الأرض التي یقتل بها، فأراه إیاه. فإذا الأرض یقال لها: کربلاء»^{۴۴} جبرئیل نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود و حسین پیش من. حسین گریه کرد، او را رها کردم. به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نزدیک شد. جبرئیل به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گفت: آیا او را دوست می‌داری؟ پیامبر فرمود: آری. جبرئیل گفت: امت تو او را خواهند کشت و اگر بخواهی از تربتی که در آن شهید می‌شود، به شما نشان می‌دهم. به ایشان نشان داد و آن تربت از زمینی است که به آن کربلا می‌گویند. این جریان بیش از پنجاه سال قبل از واقعهٔ کربلا اتفاق افتاده و زمان، مکان، وضعیت و ناقل حدیث، اهمیت و عمق فاجعه را نشان می‌دهد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. صحیح بخاری، کتاب فضائل الصحابه، باب مناقب الحسن و الحسین، ص ۹۱۶، ح ۳۷۵۳.
۲. همان، ح ۳۷۵۱.
۳. ر.ک: عسقلانی، فتح الباری، ج ۷، ص ۷۹؛ ابن اثیر، النهایه فی غریب الحدیث، ج ۲، ص ۶۰۹.
۴. ر.ک: انس فردی است که مورد نفرین امیرالمؤمنین علیه السلام واقع شد؛ زیرا دربارهٔ حادثه غدیر کتمان شهادت کرد.
۵. همان، ح ۳۷۴۸.
۶. صحیح مسلم، باب فضائل الحسن و الحسین، ص ۱۲۰۷، ح ۶۱۵۵.
۷. ابن ماجه، سنن، لبنان: دارالفکر، ص ۵۳، ح ۱۴۳.
۸. همان، ح ۱۴۴.
۹. همان، ص ۵۴، ح ۱۴۵.
۱۰. صحیح ابن حبان، ج ۱۵، ص ۴۳۳، ح ۶۹۷۷.
۱۱. ترمذی، سنن، لبنان: دارالفکر، ص ۱۰۷۵، ح ۳۷۹۳.

۱۲. همان، ح ۳۷۹۴.
۱۳. همان، ح ۳۷۹۷.
۱۴. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۴۷، ح ۴۶۶۴.
۱۵. همان، ج ۳، ص ۱۷۴.
۱۶. همان، ج ۳، ص ۱۸۱، ح ۴۷۷۶.
۱۷. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۴۲۹، ح ۵۶۳۰.
۱۸. ترمذی، سنن، ج ۵، ص ۶۵۶.
۱۹. قبر حدیفه در کنار قبر جناب سلمان فارسی است. مدفن سابق او نزدیک طاق کسری بود که حدود ۶۰ سال پیش به علت سیل خراب شد و بدن حدیفه آشکار گردید که هنوز تازه بود. میان طاق و قبر سلمان مسافت اندکی است. بدن را تشییع کرده و در کنار قبر سلمان دفن کردند. عکس تشییع جنازه او موجود است.
۲۰. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۶۴، ح ۴۷۲۳.
۲۱. طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۳، ص ۹۷، ح ۲۷۷۸.
۲۲. همان، ج ۳، ص ۱۱۶، ح ۲۸۴۷.
۲۳. همان، ج ۳، ص ۳۵، ح ۲۵۹۹.
۲۴. همان، ج ۳، ص ۳۵، ح ۲۵۹۸.
۲۵. همان، ج ۳، ص ۴۱، ح ۲۶۲۴؛ قریب به همین مضمون: ج ۱، ص ۳۱۹، ح ۹۵۰.
۲۶. همان، ج ۳، ص ۲۶، ح ۲۸۸۳.
۲۷. همان، ج ۳، ص ۱۲۶، ح ۲۸۸۲.
۲۸. همان، ج ۳، ص ۱۰۵، ح ۲۸۰۷.
۲۹. همان، ج ۳، ص ۱۰۶، ح ۲۸۱۲.
۳۰. همان، ج ۳، ص ۱۰۷، ح ۲۸۱۴.
۳۱. همان، ج ۳، ص ۱۰۸، ح ۲۸۱۷.
۳۲. طبری، دلائل الامامة، ص ۱۸۰.
۳۳. الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۲۵۳.
۳۴. المعجم الکبیر، ج ۳، ص ۱۱۰، ح ۲۸۲۴.
۳۵. همان، ج ۳، ص ۱۱۰، ح ۲۸۲۵.
۳۶. همان، ج ۳، ص ۱۱۱، ح ۲۸۲۶.
۳۷. همان، ج ۳، ص ۱۱۱، ح ۲۸۲۷.
۳۸. همان، ج ۳، ص ۱۱۷، ح ۲۸۵۱.
۳۹. محمدامین الأمینی، الأيام الشامیة من عمر النهضة الحسینیة، ص ۲۱۵.
۴۰. ابی یعلی، مسند، ج ۱، ص ۳۹۳، ح ۵۱۰.
۴۱. همان، ج ۷، ص ۲۷۴، ح ۴۲۹۴.
۴۲. همان، ج ۱۲، ص ۳۸۳، ح ۶۹۵۱.
۴۳. حدیث مشهور و متواتری است و شیعه و سنی آن را نقل کرده‌اند. به ذکر تنها برخی منابع اهل سنت بسنده می‌کنیم: احمد بن حنبل، مسند، ج ۱، ص ۱۱۹؛ حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۰۱، ۲۵۵، ۲۵۸، ۳۹۲؛ ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۴۲، ص ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۲، ۲۲۸، ۲۳۱؛ خوارزمی، المناقب، ج ۷، ص ۱۳۵، ۱۹۹، ۲۰۵؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغة، ج ۲، ص ۲۸۹، ج ۳، ص ۲۰۸؛ ایجی، المواقف، ج ۳، ص ۶۰۳؛ المناوی، فیض القدر، ج ۶، ص ۲۸۲؛ ابن کثیر، البدایة و النهایة، ج ۵، ص ۲۳۰، ج ۷، ص ۳۷۰، ۳۸۴؛ السیرة النبویة، ج ۴، ص ۴۲۰؛ الحلبي، السیرة الحلبیة، ج ۳، ص ۳۳۶؛ احمد بن محمد بکری، سیرة الامام علی، ص ۸؛ قندوزی، ینابیع المودة، ج ۲، ص ۲۸۲ - ۲۸۴.
۴۴. احمد بن حنبل، فضائل الصحابه، لبنان: دارالکتب العلمیه، ص ۳۰۸، ح ۱۳۹۳.